

تکته

هادی اسماعیلی



کدام انقلاب اقتصادی؟

دولتی‌ها مدعی آگاهی از وضعیت گرانی و سختی مردم‌اند اما مشغول انقلاب اقتصادی هستند، با فرض اینکه -فرض اینکه- محال نیست -دولتی‌ها واقعاً از گرانی و فشار معیشتی مردم آگاه و باز هم با فرض اینکه دنبال انقلاب اقتصادی هستند، اما کدام انقلاب اقتصادی؟

انقلابی که بارانه سه دهک جامعه که حدود ۴/۵همت بود به بهانه کمبود پول حذف می‌شود اما اسبوح پازانه هواپیمای ۷همت است، حذف نمی‌شود، آن هم در حالی که حذف این بارانه فقط ۲۰ درصد در قیمت لایت هواپیما تأثیر دارد؟

انقلابی که در آن ۹۰۰ همت مالیات بر ارزش افزوده از جیب مردم به سرقت می‌رود اما دولت توان تحقق ۵۰۰ همت منابع پیش‌بینی شده در قانون بودجه از محل مولدسازی را ندارد؟

انقلابی که دولت تقریباً همه خدمات الکترونیکی از بانک و بیمه و خدمات روزانه را بدون هیچ شفافیتی گران می‌کند اما توان زنده کردن ۱۲۰۰ همت منابع پیش‌بینی شده در قانون بودجه از محل عوارض واردات خودرو را ندارد؟

انقلابی که به بهانه واردات ۶میلیارد دلاری بنزین، بنزین را گران می‌کند آنهم بدون توجه به طرح‌های کارشناسی که عادلانه است و هزینه این گران‌سازی به گردن نصف جمعیت ایران که ماشین ندارند می‌افتد اما توان زنده کردن ۶میلیارد دلار گران‌همراه (فلر) که می‌سوزد و دود می‌شود را ندارد؟ انقلابی که در آن طبقات پایین بیشترین فشار تورم و گرانی را حمل می‌کنند و مالیات کارگران و کارمندان و فعالان اقتصادی‌اش تا ریل آخر گرفته می‌شود اما معافیت‌های مالیاتی بسیاری به ذی‌نفعان داده می‌شود!

ادعای زمانی معنا پیدا می‌کند که میان گفتمان و رفتار فاصله‌ای نباشد و سیاستگذاری در میدان عمل بتواند بار زندگی را از دوش جامعه بردارد. سخن گفتن از انقلاب اقتصادی در شرایطی که سفره‌بخش بزرگی از مردم هر روز کوچک‌تر می‌شود، نیازمند شواهدی روشن، تصمیم‌هایی شجاعانه و اولویت‌بندی‌هایی منصفانه است. اگر قرار است واژه انقلاب به کار رود، انتظار می‌رود فشار از طبقات فردست به سمت صاحبان منافع منتقل شود، نه اینکه همان مسیرهای آزموده‌شده با ادبیاتی تازه باز تولید شود.

فرض کنیم دولت در مسیر انقلاب اقتصادی حرکت می‌کند و تصمیم‌های برهزین‌های مانند حذف پازانه سه دهک، افزایش قیمت بنزین، تقویت تالار ارز و حذف ارز ترجیحی را اجرا می‌کند. پرسش این است که منابع حاصل از این اقدامات چه سرنوشتی پیدا می‌کنند. آیا این منابع به شکل مستقیم و کامل به مردم بازگردانده خواهد شد یا در پیچ‌وخم بودجه عمومی مستهلک می‌شود. انتقال ارز ترجیحی به انتهای زنجیره اگر به معنای افزایش واقعی قدرت خرید مردم نباشد، صرفاً یک جابه‌جایی حسابداری خواهد بود.

اگر قرار است کل‌اثر گر جایگزین پازانه‌های قبلی شود، انتظار می‌رود، رقم آن متناسب با افزایش هزینه‌ها تعیین شود. آیا این به آن معناست که هر خاخواز حداقل ۲میلیون تومان اعتبار ماهانه دریافت خواهد کرد. اگر پاسخ مثبت است، دولت باید با شفافیت اعلام کند چه منابع از آن‌ها می‌شود و سازوکار توزیع آن چگونه خواهد بود. ابهام در این زمینه به معنای تداوم بی‌اعتمادی و افزایش نگرانی‌های اجتماعی است.

نگرانی اصلی انجاست که دولت برای منابع آزادشده کیسه‌ای جداگانه در نظر گرفته باشد و بخشی از آن صرف جبران کسری‌های مزمن یا هزینه‌های خارج از اولویت شود. بدیهی است بدون تعهد قانونی و نظارت عمومی، وعده بازتوزیع عادلانه منابع به‌سادگی فراموش می‌شود. انقلاب اقتصادی اگر قرار است معنایی واقعی داشته باشد، باید با شفافیت، پاسخگویی و شجاعت در مواجهه با رانت‌ها همراه شود.

دولتی‌ها بعید است ندانند؛ مسیر اصلاحات اقتصادی از اعتماد عمومی می‌گذرد و این اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که مردم احساس کنند سیاستگذار واقعیت زندگی آنان را می‌بیند و تصمیم‌ها را بر اساس همان واقعیت تنظیم می‌کند. اعلام آگاهی از فشار معیشتی بدون تغییر در اولویت‌ها، بیشتر به توصیف وضع موجود شباهت دارد تا تلاشی برای تغییر آن باشد و طبعاً جامعه زمانی قانع می‌شود که ببیند دولت ابتدا از خود آغاز کرده و هزینه ناکارآمدی‌ها، تصمیم‌های نادرست گذشته و ساختارهای پرخرج را کاهش داده است. شفافیت در بیان اعداد و ارقام بخش جدایی‌ناپذیر هر اصلاح جدی است. وقتی گفته می‌شود منابع آزاد خواهد شد، باید مشخص باشد این منابع از کجا می‌آید، چه میزان است و در چه بازه زمانی به مردم بازمی‌گردد. کلی‌گویی در این زمینه فقط به افزایش شایعات و نگرانی‌ها منجر می‌شود.

مسئله دیگر، زمان‌بندی اصلاحات است. اجرای هم‌زمان چند سیاست انقباضی در شرایط رکود و تورم بالا، ریسک‌های اجتماعی و اقتصادی را افزایش می‌دهد. افزایش قیمت‌های پیش از ایجاد شبکه‌های حمایتی کارآمد، فشار را بر همان گروه‌های وارد می‌کند که قرار است ذینفع اصلی اصلاحات باشند. سیاست عقلانی اقتضا می‌کند که ابتدا زیرساخت‌های جبرانی تقویت شود و سپس اصلاح قیمت‌ها صورت گیرد.

تصمیم‌هایی که در اتاق‌های بسته گرفته می‌شود، حتی اگر از نظر فنی دفاع قابل باشد، بدون اقعان افکار عمومی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. بنابراین آنچه امروز با عنوان انقلاب اقتصادی مطرح می‌شود، بیش از هر چیز نیازمند بازتعریف است. انقلاب به معنای تغییر بنیادین قواعد بازی بودن و به معنی صرفاً تغییر قیمت‌ها و جابه‌جایی اعداد در جداول بودجه نیست و زمانی که ساختار رانت‌ها، معافیت‌های تبعیضی‌آمیز و ناکارآمدی‌های مزمن اصلاح نشود، فشار بر مصرف‌کننده ساده‌ترین اما ناعادلانه‌ترین گزینۀ باقی خواهد ماند.

پرسش کدام انقلاب اقتصادی همچنان پابرجاست و پاسخ آن فقط زمانی داده می‌شود که مردم اثر آن را در امنیت معیشتی، ثبات قیمت‌ها و کاهش نابرابری احساس کنند. تا آن زمان، تردید و مطالبه‌گری واکنشی طبیعی به تجربه‌های پیشین و وعده‌های محقق‌نشده خواهد بود چه آنکه اقتصاد میدان از مون و خط نیست و هزینه خطا از جیب مردم پرداخت می‌شود. اگر قرار است مسیری تازه آغاز شود، این مسیر باید با نقشه‌ای روشن و تعهدی قابل سنجش همراه باشد. در غیر این صورت، واژه انقلاب تنها پوششی لفظی برای تصمیم‌هایی خواهد بود که بار اصلی آن در دوش همان مردمی است که قرار بود منتفع شوند.

بنابراین بهتر است دولتی‌ها بجای استخدام واژه‌هایی که بار معنایی سنگینی دارند، تجدید نظر کنند و به این موضوع بیندیشند که کار هر کسی نیست خرمن کوفتن. اینکه فلان وزیر فقط از ساعت ۹ تا ۱۵ مشغول کار باشد، نمی‌توان انتظار کار انقلابی از آن داشت یا اینکه فلان افراد درگیر تعارض منافع باشند، اگر انقلاب هم کنند بیشتر برای جیب خودشان خواهد بود.

بر اساس آخرین آمار اعلام شده، فرایند پیش‌ثبت‌نام یازدهمین طرح فروش محصولات ایران خودرو با استقبال گسترده متقاضیان همراه بوده و تعداد شرکت‌کنندگان از مرز ۱۰ میلیون نفر عبور کرده است. رکورددار تعداد متقاضیان خرید خودرو مربوط به سال ۴۰۱امی‌شود. در دی‌ماه این سال ۱۱میلیون نفر تنها در یک مرحله از فروش ایران خودرو ثبت‌نام کردند. پیش از آن نیز در سال ۹۹ شاهد بودیم که بیش از ۷میلیون نفر برای خرید خودرو صفت‌کشی کرده بودند اما ابتدای سال جاری دیگر خبری از صف‌های میلیونی خرید خودرو نبود، حالا بار دیگر عرصه جدید بزرگ‌ترین خودروساز کشور، تداعی‌کننده طرح‌های سال‌های گذشته و بازگشت لاتاری خودروست؛ شیوه‌ای از فروش که مصرف‌کنندگان واقعی را سرخورده و تولیدکنندگان خودرو را با پشتوانه بیشتری برای تداوم سیاست‌های انحصاری ترغیب می‌کند. بی‌توجه به اینکه احتمال موفقیت در این ثبت‌نام کمتر از یک‌درصد است، این شیوه از فروش به جای توزیع خودرو به محلی برای توزیع رانت تبدیل شده است.



بیش از ۱۰ میلیون نفر اقدام به ثبت‌نام در طرح فروش ایران خودرو کرده‌اند. این رقم معادل بیش از ۱۰ درصد جمعیت کشور است و از نظر تعداد ثبت‌نام‌کنندگان، چندین برابر ظرفیت واقعی عرضه خودرو در این مرحله محسوب می‌شود. آمارها نشان می‌دهد، در حالی که تنها حدود ۱۰۰ هزار دستگاه خودرو در این دوره برای عرضه پیش‌بینی شده، حجم تقاضا حدود ۹۰ برابر بیشتر از تعداد خودروهای قابل تحویل بوده است.

با در نظر گرفتن اختصاص بخشی از ظرفیت به طرح‌هایی مانند جوانی جمعیت و جایگزینی خودروهای فرسوده، تعداد خودروهای در دسترس برای متقاضیان عادی به حدود ۵۰ هزار دستگاه کاهش می‌یابد. در این شرایط، نسبت انتخاب برای متقاضیان عادی حدود یک‌نفر از هر ۸۰ نفر برآورد می‌شود و احتمال موفقیت کمتر از یک‌درصد است، به‌طوری‌که بیش از ۹۹ درصد ثبت‌نام‌کنندگان در این مرحله موفق به دریافت خودرو نخواهند شد.

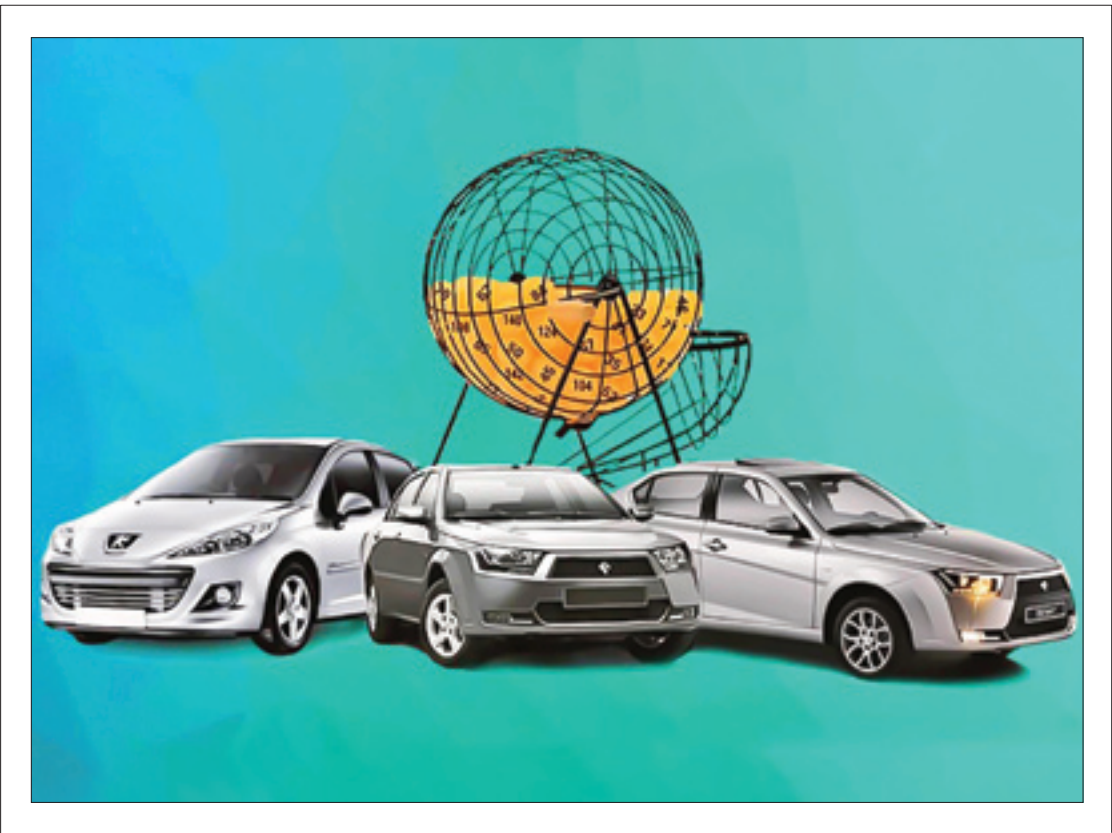
همچنین در همین بازه زمانی، مجموع کدهای رهگیری صادرشده برای این طرح به حدود ۹میلیون و ۴۵۰ هزار فقره رسیده است. اختلاف میان تعداد کدهای رهگیری صادرشده و آمار نهایی ثبت‌نام‌کنندگان، به دلیل انصراف بخشی از متقاضیان پس از ثبت اولیه و همچنین تغییر در انتخاب نوع خودرو ایجاد شده است. مهلت پیش‌ثبت‌نام در طرح

گزارش ۲

زینب زرین

تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در آخرین طرح سامانه یکپارچه خودرو از مرز ۱۰میلیون نفر عبور کرد

گم‌شدن خریداران مصرفی خودرو در میان میلیون‌ها کدملی!



به‌هم‌ریختگی و شکاف تقاضا با عرضه تبدیل شده است. در هر صورت آنچه واضح بوده این است که این حجم از تقاضا هیچ تناسبی با نیاز واقعی مصرفی جامعه ندارد.

■ **پرداخت وام به خودروسازان تنها مسئولیت وزارت صمت؟**

نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، کاهش التهاب بازار از طریق نظارت بر کیفیت خودروها و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا را از وظایف وزارت صمت دانست و از سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان خواست تا با نظارت بر قیمت‌ها مانع آسیب به خریداران شود.

سیدجواد حسینی کیا در گفت‌وگو با خانه ملت، تصریح کرد: آنچه مسلم است ساماندهی حوزه خودرو از جمله وظایف وزارت صمت است که باید تلاش کند نسبت به تأمین منابع مالی و حل مشکلات حوزه خودروسازی‌ها، از سوی دیگر کاهش التهابات از طریق نظارت بر کیفیت خودروها و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضایی که در بازار وجود دارد، اقدام کند.

این نماینده مردم در مجلس دوازدهم، یادآور شد: البته وزیر صمت جلسات متعددی در این زمینه برگزار کرده و در تلاش است، این موارد محقق شود اما همانطور که تلاش می‌کند به هر خودروسازی مبلغ ۲۰همت تسهیلات بانکی ارائه شود، تا مشکلات آنها حل شود باید به بازار هم توجه کرده و ناترازی بین عرضه و تقاضا را با واردات حل‌وفصل کند.

نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد: لازم است سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، هم بر قیمت‌گذاری‌ها و هم کیفیت خودروهای داخلی توجه ویژه‌ای داشته باشد تا مصرف‌کنندگان نیز آسیب بینند.

■ **پیامدهای سیاست‌های فعلی خودرو**

کارشناسان بر ضرورت ساماندهی بازار خودرو و کاهش شکاف عرضه و تقاضا تأکید دارند. ثبت‌نام ۹میلیون‌نفری در این دوره از فروش ایران خودرو زنگ خطری جدی برای تصمیم‌گیران وزارت صمت است. ادامه این روند، سرمایه اجتماعی را فرسوده کرده، اعتماد بینندگان را در میان هجوم میلیون‌ها کدملی، سرخورده و بازار خودرو را به کلافی سردرگم تبدیل می‌کند که باز کردن آن در آینده ناممکن خواهد بود. در کوتاه مدت، اگرچه فروش خودروسازان داخلی اعلام نتایج و مشخص شدن اینکه بیش از ۹۹درصد از ثبت‌نام‌کنندگان برنده نشده‌اند، می‌تواند شوک بازگشتی به بازار وارد کند.

اما اخیراً و بعد از رکوردشکنی‌های جدید دلار، شاهد موج صعودی جدیدی در بازار خودرو هستیم. در آذرماه، موج دوم تورم خودرو با شدت عجیبی برگشت و بازار را دوباره داغ کرد؛ به‌طوری‌که تنها در ۱۸روز، قیمت‌ها معادل چهارماه پس از جنگ رشد کرده‌اند. در آذرماه قیمت برخی مدل‌ها مثل پژو ۲۰۷، تارا، دنا پلاس، رشدهای ۱۸تا ۲۰درصدی دلیل اول حذف فشار بلوگ‌شدن پول برای خرید

نمانند و با جهش نرخ ارز، رشدهای ۳۰تا ۶۰درصدی داشتند. آریز ۵۰، ۲۰درصد و ۴۴درصد گران شدند و دیگنتی پرستی‌ها رشد عجیب ۵۹درصدی، ۲میلیارد به ۲۴میلیارد تومان رسید؛ از طرفی از ۱۸خرداد تا لحظه ثبت این گزارش، قیمت خودروها حدود ۴۰درصد جهش داشته و بسیاری از مدل‌ها؛ ۰۶ تا ۲تیپ ۲گرفته تا دنا پلاس و تارا، بین ۲۲ تا ۵۹درصد گران‌تر شده‌اند.

این افزایش قیمت‌ها در بازار آزاد، شکاف قیمت‌های بازار را کارخانه را تشدید کرده است. گزارش حاکی از آن است که اختلاف قیمت کارخانه و بازار ۱۲مدل

فروش آذر ۴۰۴محصولات ایران‌خودرو تا پایان روز شنبه ۱۳۹آذرماه ادامه دارد. بر اساس برنامه‌ریزی اعلام‌شده، قرعه‌کشی این طرح نیز ساعت ۱۰صبح روز دوشنبه اول دی‌ماه ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد.

■ **چرای هجوم ۱۰میلیونی**

چند دلیل عمده را می‌توان در بازگشت موج‌های استقبال از طرح‌های فروش خودروسازان مؤثر دانست. دلیل اول حذف فشار بلوگ‌شدن پول برای خرید متقاضیان عادی حدود یک‌نفر از هر ۸۰ نفر برآورد می‌شود و احتمال موفقیت کمتر از یک‌درصد است، به‌طوری‌که بیش از ۹۹ درصد ثبت‌نام‌کنندگان در این مرحله موفق به دریافت خودرو نخواهند شد.

همچنین در همین بازه زمانی، مجموع کدهای رهگیری صادرشده برای این طرح به حدود ۹میلیون و ۴۵۰ هزار فقره رسیده است. اختلاف میان تعداد کدهای رهگیری صادرشده و آمار نهایی ثبت‌نام‌کنندگان، به دلیل انصراف بخشی از متقاضیان پس از ثبت اولیه و همچنین تغییر در انتخاب نوع خودرو ایجاد شده است. مهلت پیش‌ثبت‌نام در طرح

تشدید تورم با افزایش حقوق کارگران آدرس غلط است

کارگران سال‌هاست زیر این توهّم فرساینده قرار دارند که ترمیم حقوق آنها موجب افزایش تورم می‌شود اما این روایت با واقعیت‌های اقتصادی همخوانی ندارد

حداقل دستمزد، صرفاً یک تصمیم اداری نیست که بتوان آن را به‌طور کامل به دولت واگذار کرد چراکه دولت در این فرایند، فقط یک داور بی‌طرف محسوب نمی‌شود بلکه خود بزرگ‌ترین کارفرمای کشور است و میلیون‌ها کارگر و کارمند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از آن حقوق دریافت می‌کنند. در چنین موقعیتی، انتظار بی‌طرفی کامل از نهادهای که ذی‌نفع مستقیم است، با منطق اقتصادی و تجربه‌های گذشته همخوانی ندارد.

از این جهت، سپردن اختیار کامل تعیین دستمزد به دولت، عملاً به معنای واگذاری ریش و پیچی به کارفرماست. طبیعی است که دولت، در مواجهه با محدودیت‌های بودجه‌ای و کسری‌های مزمن، تلاش کند هزینه‌های نیروی انسانی را مهار کند و ساده‌ترین مسیر برای این کار، فشار بر دستمزدها باشد. نتیجه این رویکرد، عقب‌ماندن مستمر حقوق کارگران از نرخ تورم و تضعیف معیشت نیروی کار بوده است که آثار آن در کاهش قدرت خرید و ناراضیاتی اجتماعی به‌روشنی دیده می‌شود.

نمایندگان مجلس به‌عنوان وکلای مردم، مسئولیت دارند از این تعارض منافع جلوگیری کنند. قانون‌گذاری در حوزه دستمزد باید به‌گونه‌ای باشد که تلاش برای واقعی میان منافع کارگر و کارفرما برقرار شود و صدای نیروی کار در فرایند تصمیم‌گیری شنیده شود. تقویت نقش شورای عالی کار، الزام به رعایت سبد معیشت واقعی و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر، از جمله اقداماتی است که مجلس می‌تواند در این مسیر انجام دهد.

بی‌توجهی به این مسئولیت، به معنای استمرار چرخه‌ای است که در آن کارگر همواره ضعیف‌ترین حلقه یاقی می‌ماند. اقتصادی که ستون فقرات آن تضعیف شود، توان ایستادن نخواهد داشت و اصلاح این وضعیت، بدون ورود جدی و مسئولانه مجلس، امکان‌پذیر نخواهد بود.



کاری که می‌توان تأمین حداقل‌های زندگی را داشته باشد، با انگیزه بیشتری در چرخه تولید مشارکت می‌کند. این مشارکت، بهره‌وری را افزایش می‌دهد و در بلندمدت به رشد اقتصادی کمک می‌کند.

افزایش منطقی و متناسب دستمزد‌ها، لزوماً به تورم منجر نمی‌شود. آنچه اهمیت دارد، هماهنگی سیاست‌های مزدی با سیاست‌های کلان اقتصادی است. در غیاب این هماهنگی، قربانی کردن دستمزد ساده‌ترین، اما نادرست‌ترین انتخاب خواهد بود. بنابراین تداوم روایت افزایش حقوق به‌عنوان عامل تورم، بیش از آنکه کمکی به اقتصاد کند، به تضعیف نیروی کار و کاهش اعتماد اجتماعی انجامیده است. بازنگری در این نگاه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای عبور از چرخه معیوب تورم و رکود به شمار می‌رود.

■ **ترمیم دستمزد، ضرورت اقتصادی**

با این اوصاف، ترمیم حقوق کارگران، اقدامی هزینه‌زا برای اقتصاد نیست، و برعکس، سرمایه‌گذاری برای حفظ تولید و ثبات اجتماعی به شمار می‌رود. نیروی

شود. این افزایش هزینه، فارغ از سطح دستمزد نیروی کار، قیمت نهایی کالاها را بالا می‌برد. تجربه سال‌های اخیر نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. در دوره‌هایی که حقوق کارگران عملاً ثابت مانده یا افزایش ناچیزی داشته، تورم همچنان مسیر صعودی خود را طی کرده است.

■ **دستمزد، تمهیدی بدون پشتوانه آماری**

تداوم نسبت‌دادن تورم به افزایش حقوق کارگران، اخیر نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. در دوره‌هایی که حقوق کارگران عملاً ثابت مانده یا افزایش ناچیزی داشته، تورم همچنان مسیر صعودی خود را طی کرده است.

■ **دستمزد، تمهیدی بدون پشتوانه آماری**

تداوم نسبت‌دادن تورم به افزایش حقوق کارگران، اخیر نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. در دوره‌هایی که حقوق کارگران عملاً ثابت مانده یا افزایش ناچیزی داشته، تورم همچنان مسیر صعودی خود را طی کرده است.

تداوم نسبت‌دادن تورم به افزایش حقوق کارگران، اخیر نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. در دوره‌هایی که حقوق کارگران عملاً ثابت مانده یا افزایش ناچیزی داشته، تورم همچنان مسیر صعودی خود را طی کرده است.

تداوم نسبت‌دادن تورم به افزایش حقوق کارگران، اخیر نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. در دوره‌هایی که حقوق کارگران عملاً ثابت مانده یا افزایش ناچیزی داشته، تورم همچنان مسیر صعودی خود را طی کرده است.